

نوزاد اشتراکی اپوزیسیون خارج نشین ناگزیر مرده به دنیا آمد. اعضای آن پراکنده شدند و در جست و جوی یافتن اعتباری برای خود، جزیره ای عمل می کنند. رسانه های فارسی زبان بیگانه اما همبستگی چهره های مخالف جمهوری اسلامی سخن می گویند. «نازنین پینادی» بازیگر ایرانی-بریتانیایی اواخر هفته گذشته با انتشار تویییتی از جیم ریشم، سناتور آمریکایی تشکر کرد که قبل از جلسه توجیهی محرمانه سنا، برای گفت وگو درباره آنچه «وضعیت وخیم ایران، به ویژه اعدام های اخیر و سرکوب مستمر معترضان مسالمت جو» خواند، به او وقت داده است. این تازه ترین تک روی نوسلبریتی سیاسی-سینمایی برای هدایت کارزاری خودخوانده جهت مقابله با جمهوری اسلامی پس از خروجش از منشور موسوم به «همبستگی برای دموکراسی و آزادی در ایران» است؛ سازوکاری که زودتر از آنچه انتظار می رفت، از هم یاشید.

پس از پشت پا زدن رضا پهلوی به شورای همبستگی سپس خروج علنی حامد اسماعیلیون از آن، بنیادی هم در میانه های اردیبهشت از این سازوکار کنار کشید تا تنها مسیح علینژاد، شیرین عبادی و عبدا... مهدی در آن باقی بمانند و همبستگی پیش از تحکیم پیوند میان اعضایش از هم بپاشد. همچنان که اشاره شد، این رضا پهلوی بود که در خروج از ائتلاف یا گرفته در جورج تاون بیشکام شد. او اواخر فروردین با انتشار تویییتی از نبود اجماع اعضا بر سر نامزد هایش برای پیوستن به منشور ابراز ناراضی کرده بود. پس از آن، حمله های سلطنت طلبان که از منشور مهسا ناراضی بودند، به کسانی که از نظر آنان در دره نشستن در کنار شاهزاده نبودن، بالا گرفت.

در این فضا و اوایل اردیبهشت ماه حامد اسماعیلیون هم راه خود را از منشور جدا کرد. اسماعیلیون از رفتارهای غیردموکراتیک عضوی که نامش را نریند، گلایه کرد. او تاکید کرد «سرنگونی جمهوری اسلامی» را از طریق دیگری بی می گیرد. دو هفته بعد از او، بنیادی هم از این سازوکار جدا شد. حال که نقشه مخالفان نظام برای به نمرنشتستن همبستگی اپوزیسیون خارج نشین نقش بر آب شده، جدا شدگان از این سازوکار به صورت جزیره ای به فعالیت خود علیه نظام ادامه می دهند و رسانه های فارسی زبان بیگانه هم در راستای اهداف سیاست گذاران حامی خود، برای زنده نگه داشتن آتش مخالفت با نظام، این کنش ها را رصد و برجسته می کنند. هفته گذشته بود که موسسه آمریکایی «فریدم هاوس» یا همان خانه آزادی جایزه سالانه آزادی خود را به «زان شجاع ایرانی» داد و بنیادی یکی از دو نفری بود که برپایه «پشتیبانی اش از زنان ایران و اعتراضات سراسری ۱۴۰۱» این جایزه را «به نمایندگی» از سوی زنان ایران دریافت کرد؛ خبری که در رسانه های خارجی فارسی زبان به طور گسترده بازتاب داده شد. رسانه های فارسی زبان خارجی، بنیادی را «بازیگر، هنرمند، فعال سیاسی و فعال حقوق بشری» معرفی می کنند که از شایستگی های لازم برای نمایندگی زنان ایران برخوردار است. این در حالی است که بررسی واقعیت زندگی این بازیگر نشان می دهد تصویر ارائه شده از او در رسانه های یادشده تصویری پراساخته و متناسب سازی شده با اهداف ازییش تامين شده است. کافی است مستند مشهور «پاک شدن» ساخته الکس گیبینی، مستند ساز آمریکایی در سال ۲۰۱۵ را ببینیم تا بدانیم که براساس اسناد اف بی آی، نازنین بنیادی به خاطر قرارداد عدم افشا در مورد آنچه در رابطه با زندگی تحمیلی یک ماهه اش با «تام کرو» تجربه کرد، تحت فشار کلیسای سایننتولوژی قرار دارد و حتی نمی تواند در جامعه به اصطلاح آزاد آمریکایی از حقوق مسلم خود دفاع کند، چه برسد به این که توانایی و شاینت نمایندگی زنان ایران را داشته باشد. با این حال و آنچه مسلم است، این که قهرمان سازی از عناصر اینچینی برای مخاطب ایرانی و پیشبرد جنگ ترکیبی از این مجرا علیه جمهوری اسلامی در دستور کار جدی رسانه های معاند است.



کیوانگرد را اسکن کنید



عکس: ایرانا

نگاه

رویای درخت

در کنار بی‌شمار محاسن رسانه باید به یکی از آفت‌هایش هم اشاره کرد، این‌که گاه به اشتباه ذهنیتی را به مخاطب تحمیل می‌کند که شکستن آن کار ساده‌ما نخواهد بود. مثالش این‌که عموما از طبیعت و زیبایی‌های سرزمین‌مان به واسطه انتشار مطالب درباره آن خطه دچار اشتباهاتی می‌شویم. همین قاب رویایی «علی جعفری» از طبیعت ایلام شاید به باور ما ناآشنا باشد چراکه عموما سرسبزی و آبادانی را به دلیل همان ذهنیت‌های نادرست مختص تراکم جنگل‌های شمال می‌دانیم.

پرسه

غصه مسکن

گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس پیرامون وضعیت مسکن حسرت‌های بسیاری دارد. این نهاد به عنوان بازوی پژوهشی مجلس از آمارهای رسمی در اختیار گزارشی منتشر کرده که در آن به بررسی عملکرد احکام قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه در حوزه تأمین مسکن اقبال کم درآمد پرداخته است. تحقق ۲۱ درصدی تأمین مسکن کم‌درآمدها و رشد نزدیک به ۸۵۰ درصدی قیمت مسکن در شهر تهران طی پنج سال، دو محور اصلی این گزارش است. روایتی تلخ از وضعیت مسکن طی یک دهه گذشته.



کیوانگرد را اسکن کنید

کمی پیش از این هم مرکز آمار ایران در گزارش تازه خود اعلام کرده بود نزدیک به نیمی از درآمد تهرانی‌ها خرج مسکن می‌شود.

لایبی کشی لاچگری

تفریحات لاچگری‌های امروزی هم حکایتی است. حتی نوع تفریحات آنها هم باعث به مخاطره افتادن جان انسان‌های بی‌گناه دیگر می‌شود. اساسا اصل علاقه این طبقه اعلام حضور خود به عنوان افرادی متمایز در شهر است و برای تحمیل این عقیده حاضرند هر کاری بکنند. در زمانه فراگیری کرونا و وقتی که محدودیت‌های شبانه از سوی ستاد ملی مقابله با کرونا هم اعلام شده بود آنها با به جان خریدن جریمه‌های مالی، اقدام به دوردورهای شبانه در خیابان‌ها و معابر شهر می‌کردند. حالا هم آن‌طور که ویدئوی تازه خبرگزاری صدا و سیما نشان می‌دهد، نیمه‌شب‌ها خیابان‌های پایتخت محل جولان ولایتی کشی آنهاست! آذربالیتی که آنها به دنبالش هستند، گاهی به قیمت جان افراد بی‌گناه تمام می‌شود.



محبوب مثل چای

حقایقی درباره چای به بهانه روز جهانی این نوشیدنی محبوب

انواع چای

انواع مختلفی از چای مثل سیاه، سبز، سفید و اولانگ وجود دارد که همه آنها از یک گیاه به نام کاملیا سینسیسینس تهیه می‌شود اما تفاوت چای‌ها در نحوه فرآوری پس از برداشت است. چای سیاه رایج‌ترین مصرف (حدود ۸۴ درصد از کل چای مصرفی در سراسر جهان) را دارد و همچنین بیشترین فرآوری روی آن انجام می‌شود. چای سبز که خواص درمانی بسیاری دارد در هیچ نوع فرآیند تخمیری قرار نمی‌گیرد. چای اولانگ فرایندی مشابه چای سیاه را دنبال می‌کند، با این حال، هر مرحله آن قدر طولانی نیست. چای سفید کمترین فرآوری را در بین انواع چای دارد. برگ‌های چای سفید که در اوایل فصل چیده و از برگ‌های جوان تر تهیه می‌شوند، معمولاً قبل از آماده‌شدن برای بسته‌بندی، برای مدت کوتاهی زیر آفتاب قرار می‌گیرند.

دمی یا کیسه‌ای؟

یک جنگ دائمی بین مصرف‌کنندگان چای وجود دارد و آن انتخاب بین چای دمی و کیسه‌ای است. چای کیسه‌ای یا همان تی‌بگ در اوایل قرن بیستم در آمریکا اختراع شد. هرچند که دوستداران واقعی این نوشیدنی، چای کیسه‌ای را یک اختراع بزرگ نمی‌دانند و معتقدند کیفیت چای کیسه‌ای حتی اندکی هم به چای دم‌شده نزدیک نیست. طرفداران چای دمی معتقدند که حبس چای در کیسه به آن اجازه نمی‌دهد که برگ‌ها در حین دم‌شدن منبسط شوند و این باعث آزاد نشدن بیشتر ترکیباتی می‌شود که طعم و مزه اصیل چای در آنها قرار دارد اما از طرف دیگر طرفداران چای کیسه‌ای معتقدند که این اختراع سبب شده نوشیدنی محبوب‌شان در هر زمان و مکانی به راحتی در دسترس باشد و آنها را از دزدسر قوری و تفاله‌ها راحت کند.



چای در ایران

تاریخچه دقیقی از زمان ورود چای به ایران در دسترس نیست. بسیاری معتقدند که ایرانیان از دیرباز قهوه‌خور بوده‌اند و قدمت ورود نوشیدنی چای به ایران را کمتر از ۲۰۰ سال می‌دانند اما در برخی آثار جهانگردان از وجود چایخانه‌هایی در قرن دوم میلادی در ایران صحبت شده که بزرگان و فرهیختگان در آن به معاشرت با یکدیگر می‌پرداختند. به‌رحال آنچه مشخص است ورود چای با حمله مغول به ایران به‌صورت محدود آغاز شده است اما کشت رسمی چای در ایران به سال ۱۳۱۴ ه. ق. برمی‌گردد. گفته می‌شود محمد میرزا کاشف‌السلطنه پس از بررسی درختچه چای در هند و مطالعه پیرامون این گیاه، لاهیجان در شمال ایران را برای کشتش مناسب دید و از آن زمان این شهر به عنوان مرکز اصلی کشت چای در ایران شناخته می‌شود اما اگر فکر می‌کنید ایرانیان خیلی چای‌خورند باید بدانید که سهم ما از مصرف کل جهان به کمتر از ۵ درصد می‌رسد.

به‌صورت فوری و در حین حرکت جرعه‌جرعه میل می‌شود و گاه به روش‌های سنتی و با مراسمی عالی آماده می‌گردد. انواع مختلفی برای انتخاب چای و نکات زیادی پشت این نوشیدنی محبوب وجود دارد که ممکن است بسیاری از آنها را ندانیم.

چند دانستنی جالب

- برای تهیه نیم کیلو چای به ۲۰۰۰ برگ چای نیاز است.
- درختان چای می‌توانند رشد طولی زیادی داشته باشند و اگر برگ‌های آن را چنچینند، تا ۱۶ متر هم قد می‌کشند.
- چای، رطوبت را جذب می‌کند و می‌توان از آن برای نگهداری اقلام و به‌عنوان رطوبت‌گیر متالاباس استفاده کرد.
- آیس‌تی یا چای سرد در اوایل سال ۱۹۰۴ توسط یک تاجر چای انگلیسی به نام ریچارد بلچیندن اختراع شد. بزرگ‌ترین چالش در آن زمان یافتن و نگهداری خود بخود بود.
- چای سبز با افزایش متابولیسم به کاهش وزن کمک می‌کند. مصرف دو سه فنجان چای سبز در روز سبب احساس سیری می‌شود.
- در برخی فرهنگ‌ها کره را به چای اضافه می‌کنند، به‌عنوان مثال در همیالیا اضافه‌کردن کره به چای غیرمعمول نیست، چون اعتقاد بر این است که چربی و نمک در آن ارتفاع بدن را بهتر هیدراته نگه می‌دارد.